

راهبردهای امنیتی در سیره معصومین (علیهم السلام) :

مطالعه موردی کتب اربعه شیعه با روش تحلیل محتوا

مصطفی اسماعیلی^{۱*}

مصطفی منتظری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۸

چکیده

مسئله امنیت، همواره از ضرورتی ترین نیازهای بشر و دغدغه مهم حکمرانان و از چالش برانگیزترین موضوعات دانشمندان بوده است. سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه، ائمه معصومین (ع) از چه راهبردهای امنیتی بهره می بردند؟ به عبارت دیگر، این نوشتار به دنبال دستیابی به راهبردهای فراهم سازی امنیت بوده است، منتهی از منظر ائمه معصومین علیهم السلام، که بهترین اسوه ها در تمامی ابعاد زندگی انسان به شمار می روند. برای دست یابی به این مقصود، کتب اربعه روایی، که از مهمترین منابع شیعی در شناخت ائمه معصومین (ع) هستند، به عنوان متن و از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. متغیر مستقل، به طور عمده، شرایط زمان و مکان آنان است، که علت تفاوت در ویژگی های راهبردهای اهل بیت نیز محسوب می شود و امنیت نیز، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد: «معصومین علیهم السلام با توجه به شرایط تاریخی خود از چهار راهبرد امنیتی مهار قدرت و اعمال قدرت مشروع، راهبرد امنیتی مصلحت، راهبرد امنیتی امر به معروف و نهی از منکر، و راهبرد امنیتی تقیه بهره برده اند.»

واژگان کلیدی: امنیت، تحلیل محتوا، سیره معصومین، راهبرد.

۱. استادیار روابط بین الملل، دانشکده امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: esmaili133@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی، گروه حقوق، الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

مقدمه

امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و مقدمه لازم برای حیات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها به شمار می‌آید. بشر در طول تاریخ همواره به دنبال امنیت بوده و برای به دست آوردن آن هزینه‌های زیادی را متقبل شده است. در روایات معصومین نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. امنیت در تعالیم ائمه اطهار مفهومی فراگیر و همه جانبه دارد که تمام ابعاد مادی و معنوی و همچنین فردی و اجتماعی حیات انسان را شامل می‌شود. همچنین، امنیت در تمام عرصه‌های داخلی و خارجی حکمرانی، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی تعمیم پیدا می‌کند. باتوجه به اهمیت دستیابی به الگوی متقن و کارآمد، سوال اصلی این پژوهش این است که معصومین (ع)، که مبنای گفتار و عمل آنان قرآن و وحی الهی است، در عملکرد خود چگونه با این مساله روبرو شده‌اند؟ معصومین (ع) در دوران امامت خود از چه راهبردهای امنیتی بهره برده‌اند؟ این راهبردهای امنیتی به کار گرفته شده از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟

در پاسخ به این سوالات، باید شرایط حاکم بر هر یک از ائمه اطهار (علیهم السلام) و نحوه مواجهه آنان با وقایع بررسی می‌شود تا در قالب الگویی راهبردی ارائه می‌شود. این اقدام صورت گرفت و باتوجه به نزدیکی اوصاف زمان و شباهت‌های سیاست‌ها و رویکردهای برخی از ائمه با یکدیگر در اتخاذ راهبردها، به نظر می‌رسد می‌توان موضع‌گیری ائمه معصومین را در چند دسته تقسیم نمود و این فرضیه را مطرح کرد: «معصومین (ع) با توجه به شرایط تاریخی خود از چهار راهبرد امنیتی «مهار قدرت و اعمال قدرت مشروع و امنیت ساز»، راهبرد امنیتی «مصلحت محور»، راهبرد امنیتی «امر به معروف و نهی از منکر»، و راهبرد امنیتی «تقیه» بهره برده‌اند.» برای تبیین دقیق این منظومه، نیازمند ارائه روایات فراوان، ترسیم اوضاع تاریخی ائمه اطهار و اتخاذ رویکرد تطبیقی و طرح مباحث تحلیلی گسترده‌ای هستیم که اقتضانات مقاله، رعایت حداکثر ایجاز را می‌طلبد. از این رو، در همه این موارد محدودیت‌هایی اعمال می‌شود و عمدتاً پیرامون یک یا دو امام روایات و مباحث مطرح می‌شود و به طور عمده این چهار الگو، بر محور امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و امام جعفر صادق (ع)

ترسیم می شود. در این نوشتار، همانطور که در جداول مربوطه هم قابل مشاهده است، ابتدا شرایط محیطی ترسیم می شود تا بدانیم که مواضع و رویکردها در چه بستری پدید آمده اند و سپس باتوجه به روایات ائمه اطهار، با محوریت یک یا دو امام، راهبردهای آنان استخراج می شود. اما از آنجا که یکی از اهداف این پژوهش، عملیاتی شدن این مدل هاست و اساسا درک صحیح از راهبردها و نحوه عملیاتی شدن آنها موقعی است که معطوف به اقدام نگاشته شوند، به ذکر سیاست های عملیاتی که ائمه اطهار اتخاذ کردند نیز مبادرت شد. باید توجه داشت که جزئیات مبسوطی می تواند ذیل هر یک قرار گیرد، اما هم رویکرد اصلی این پژوهش طرح الگویی راهبردی است و هم در چارچوب محدود مقاله نمی گنجد. برای دست یابی به هدف مورد نظر، پس از طرح مبانی نظری و پیشینه شناسی، به تبیین روش بکارگرفته شده، یعنی تحلیل محتوا، مبادرت می شود، سپس به پشتوانه آن، تحلیل موضوع پژوهش انجام می شود و درنهایت به تبیین نتیجه تحقیق مبادرت خواهد شد.

۱. مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

در نخستین مرحله از روند پژوهش، ابتدا آشنایی با مهمترین مفاهیم مطرح شده مبادرت می شود، سپس پیشینه نظری تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت، تبیین روش به کار رفته، آخرین قسمت تشکیل دهنده این بخش را تشکیل می دهد. اگرچه با ابهامات، پیچیدگی ها و سردرگمی هایی همراه است (Rabiei, 2012)، اما می توان مقصود از آن را برای پژوهش حاضر روشن ساخت. از این حیث، امنیت از طرفی مفهومی بسیط دارد که هر انسانی وجود یا نبود آن را درک می کند، لذا در معنای سلبی عبارت است از «دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است» (Ashuri, 2008: 38) همچنین، به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی است. (Mandel, 1998: 44) در معنای ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل است. (Mandel, 1998: 44)

اگرچه می توان در بیان انواع امنیت، رویکردها و کارکردهای آن بسیار سخن گفت و هر یک را در نسبت با زندگانی و سیره اهل بیت (ع) سنجد، که نیازمند نگارش آثار متعدد است، اما برای پرهیز از اطناب و رعایت ایجاز، با توجه به هدف مقاله، به ذکر این نکته بسنده می شود که

آنچه در این نوشتار مقصود است همین معانی اصلی و عمومی از امنیت است که امامان معصوم در پی تحقق آن در جامعه بودند. در خصوص راهبرد هنری مینتزبرگ^۱، در کتاب خود با عنوان «ظهور و سقوط برنامه ریزی استراتژیک»^۲ اذعان می دارد که استراتژی دربردارنده معنای زیر است:

۱. یک برنامه^۳ است. به این معنا که چگونگی گذر از جایی به جای دیگر را در یک نقشه راه می نمایاند.

۲. استراتژی یک الگو^۴ برای اقدامات در طول زمان می باشد.

۳. استراتژی، وضعیت^۵ است که با توجه به آن، تصمیماتی اتخاذ می شود و بازتاب آن، به عنوان مثال، در ارائه محصولات یا خدمات خاص در بازارهای خاص نمایان می شود.

۴. استراتژی چشم انداز^۶ است که در حقیقت همان، تصور و دورنما (نسبت به آینده)^۷ و هدایت مسیر (به سمت آن)^۸ می باشد. در اینجا نگاه همه جانبه و در عین حال معطوف به آینده مد نظر است. (Mintzberg, 1994, 23-29) بنابراین استراتژی هم چشم انداز، وضعیت (موقعیت)، نقشه راه و هم در نهایت یک الگو است. (Kavakbian & Montazeri, 2016) بر این اساس، استراتژی در ارتباط با چگونگی اقدام و رسیدن به مقصود است نه چپستی یا چرایی آن؛ به همین خاطر سخن از نقشه راه می شود. در مجموع، می توان استراتژی را در عبارتی کوتاه، به این صورت تعریف نمود: «استراتژی، نقشه یا دستورالعملی جامع جهت دست یابی به اهداف الزام آور می باشد».

سیره نیز اسم مصدر از ریشه "س ی ر" و جمع آن سیر و سیرات است یکی از معانی آن، طریقه و روش است. در اصطلاح نیز سیره عبارت است از بنای عملی انسانها در طول تاریخ بر انجام کاری و یا بر ترک آن. (Pgholizadeh, 2000: 120) به عبارت دیگر، سیره

¹ Henry Mintzberg

² The Rise and Fall of Strategic Planning

³ Plan

⁴ Pattern

⁵ position

⁶ perspective

⁷ vision

⁸ direction

عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی. برخی از سیره شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از مفهوم لغوی آن است. (Tabatabaei, 1982, V14: 100) استمرار شیوه و روش، اگر در میان همه عقلا منظور باشد، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمانان یا پیروان مذهب و یا گروهی خاص از مسلمانان مورد نظر باشد آن را سیره متشرعه می‌نامند. سیره در اصطلاح، به شیوه و طریقه‌ی رفتاری و گفتاری پیامبر و ائمه‌ی معصوم سیره گفته می‌شود. یکی از منابع شناخت، که هر مسلمان باید دید و بینش خود را با توجه به آن اصلاح کند، رفتار ائمه‌ی اطهار می‌باشد. در واقع، این شیوه قواعدی است که جهت کلی زندگی را در وجوه مختلف فردی، اجتماعی، مدیریتی خانوادگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مشخص می‌کند. (Delshad Tehrani & Ayanevand, 2007: 44)

درباره امامت نیز ارتباط وثیقی میان اندیشه سیاسی اسلام و مفهوم «امامت» وجود دارد. «امامت» کمال دین است و رشد همه‌جانبه و تعالی بشریت در گرو توجه و پیروی از امامت است. (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۴، ۱۸) طرح امامت از نظر اعتقادی و فرهنگی از اصیل‌ترین مبانی ایدئولوژیکی اسلام و از نظر سیاسی اجتماعی از بارزترین پایه‌های اندیشه سیاسی شیعه است. از دیدگاه اسلامی، دولت و حکومت در قالب «امامت» مطرح می‌شود. امام معصوم در عین اینکه زعامت دینی و دنیوی مردم را به عهده دارد، از همه حیث شایسته‌ترین فرد برای تصدی حکومت است. البته باید توجه داشته باشیم که تقلیل شأن امامت به امر حکومت صحیح نیست. در روایات امام به عنوان خلیفه الهی معرفی شده و این در حالی است که برای امام شئون و وظایف دیگری نیز ذکر شده است. بر این اساس می‌توان مرآتیی را برای خلافت الهی تصور کرد. شهید مطهری شأن امامت را در سه وجه ذکر می‌کند: ولایت تکوینی، مرجعیت دینی و آخرین و پایین‌ترین وجه نیز زعامت سیاسی است (Motahari, 2011, V4: 850)

از این میان، وجه اول و دوم جزء جدایی‌ناپذیر امامت است و امام بدون آن دو صلاحیت امامت را نخواهد داشت؛ اما وجه سوم مبتنی بر وجود شرایط و زمینه مناسب است و در برخی شرایط ممکن است امام فاقد زعامت سیاسی جامعه باشد. بر این اساس زعامت سیاسی از ارکان تعریف امامت به شمار نمی‌رود. از دیدگاه روایات، ولایت تکوینی

مقوله‌ای است مقوم امامت و از عناصر جدایی ناپذیر آن. این به این معنی است که اگر ائمه (ع) در زمان خودشان حکومت را به دست نداشتند، نقصانی در شأن و مقام ایشان نیست؛ بلکه امام در هر زمان و مکانی شایسته ترین و باصلاحیت ترین فرد برای اداره حکومت است زیرا اصل امامت بر این اساس است که امام راهنمای دین و دنیای مردم باشد و حکومت و قدرت سیاسی یکی از ابزارهای امام است که اگر شرایط فراهم شود و زمینه‌های آن مساعد باشد امام به آن اقدام می‌کند. (Derakhsha & faegh, 2012: 18-19) در نزد ائمه (ع) هیچگاه وجود دوجریان موازی «امامت» و «خلافت» به رسمیت شناخته نشد و هرگز پذیرشی برای مشروعیت حکومت خلفا مطرح نشد تا بتوان گفت تفکیکی میان امامت به معنای حکومت از امامت به معنای پیشوایی امور روحانی و دینی مردم پذیرفته شده است. پس دعوی ائمه درباره جایگاهی که خلفا بر آن تکیه زده‌اند یک دعوی ادامه‌دار بود (aktachi, 2012: 143).

۲. پیشینه نظری تحقیق

در موضوع امنیت، پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است که هر یک، از زاویه‌ای، این مسأله مهم را مورد بررسی قرار داده‌اند و ضمن طرح ضرورت وجود آن در عرصه‌های فردی و اجتماعی، به بیان راهکارها و پیشنهادهای در این زمینه پرداخته‌اند. با بررسی آثار منتشر شده در این زمینه، می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع امنیت در اسلام را در چند گروه جای داد:

اول منابعی که به امنیت در اسلام پرداخته‌اند و به طور مشخص قرآن را مدنظر قرار داده‌اند؛

دوم منابعی که به امنیت در اسلام از دیدگاه غیر سیاسی پرداخته‌اند؛

و **سوم** منابعی که از دیدگاه سیاسی به امنیت در اسلام پرداخته‌اند و روایات و سیره ائمه را نیز مدنظر داشته‌اند، اما به صورت مستقیم و تخصصی به مبحث راهبردهای امنیتی در روایات نپرداخته است.

در ادامه ابتدا مروری بر مهمترین آنها صورت می‌گیرد، سپس به بیان وجوه متمایز این تحقیق با دیگران مبادرت می‌شود. شاید اصلی‌ترین سابقه پرداخت به این حیطه موضوعی مربوط به آثار آقای اخوان کاظمی باشد که در قالب کتاب «امنیت در منابع اسلامی» و مقالات «امنیت و ابعاد آن در قرآن» و «امنیت: ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات» منتشر شده است. ابعاد

امنیت در نگاه ایشان برجسته تر از بحث بر روی چارچوب مفهومی و شبکه معنایی امنیت بوده است. از طرفی انسجام روشی در آثار ایشان کمتر مورد توجه است و بیشتر بر برداشت‌های کارشناس محور متکی است. اصغر افتخاری در آثار متعددی به مقوله امنیت به-ویژه امنیت در اسلام پرداخته است. «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت؛ گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی»، «امنیت در اسلام»، «قدرت، امنیت و شریعت: درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر قاجار» و «استراتژی امنیتی دولت علوی» و غیره از جمله عناوین مقالات ایشان است که سعی شده در آنها تا حدودی امنیت از منظر اندیشه اسلامی تبیین گردد. این آثار با توجه به غنای لازم و رویکرد نظریه‌پردازانه، به صورت مستقیم و تخصصی به مبحث چارچوب مفهومی امنیت در روایات پرداخته است.

در کتاب «اسلام و روابط بین‌الملل: چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی» با عنوان «صلح و امنیت بین‌الملل؛ رویکردی اسلامی»، تالیف حسین پوراحمدی و همکاران، به حوزه‌ی موضوعی نگاه اسلامی به روابط بین‌الملل یعنی صلح و امنیت بین‌المللی ورود می‌شود. علی دغوش‌العالی، «دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی» را به نگارش درآورده است ایشان به تمام مسائل مرتبط به امنیت از جمله جاسوسی و غیره پرداخته‌اند. وطن دوست، پژوهش خود، قلمرو امنیت در دین اسلام را شامل امنیت فردی، جانی، حیثیتی، عقیده، روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهایتاً سیاسی دانسته و برخی از عواملی که به تأمین امنیت اجتماعی کمک می‌کنند نظیر یگانگی و یکدلی، خوش‌بینی، عدالت اجتماعی، کار و اشتغال و حق محوری معرفی می‌کند. به اعتقاد وی ایمان، تشکیل حکومت، قانون و قاطعیت در اجرای آن، وحدت و برادری، بالا بردن فرهنگ عمومی مردم از جمله منابع تأمین امنیت در آموزه‌های اسلامی هستند. «خوف و امنیت از دیدگاه قرآن و روایات» نیز عنوان مقاله‌ای از اصغر خوش کلام است که به طور مشخص بر مسئله خوف و امنیت در حوزه‌ی ای از قرآن کریم متمرکز شده است. ضمناً رویکرد ایشان کمتر سیاسی است. محمد بهرامی در مقاله‌ای با عنوان «قرآن و مسأله امنیت ملی» به مسئله امنیت در قرآن کریم پرداخته‌اند. مسئله ایشان بیشتر به مقوله امنیت ملی معطوف شده است تا اینکه شناخت ابعاد یا چارچوب مفهومی امنیت به طور جامع دغدغه ایشان باشد. آقای علیرضا اسلامی نیز در مقاله‌ای با نام «امنیت در قرآن» به این مبحث پرداخته‌اند. رویکرد ایشان به مسئله امنیت یک رویکرد سیاسی



نیست و موضوع حول محور هایی مانند خانواده، فرزند، زنان، حجاب و غیره در گردش است همچنین امنیت اجتماعی به طور اخص نیز دغدغه مهرداد بصیرت، نویسنده مقاله «جایگاه امنیت اجتماعی در قرآن کریم» بوده است. با توجه به بررسی سابقه پژوهشی در این موضوع و نیازهای جدید، گسترده و پیچیده امروز جوامع به امنیت، به نظر می رسد که باید با نگاهی تخصصی و روشمند در حوزه تمدن سازی، به احصا و تبیین راهبردهای امنیتی از منظر اهل بیت معصومین (علیهم السلام) توجه ویژه ای شود. از این حیث، مزیت های نسبی و وجوه ممتاز این پژوهش عبارتند از:

- بررسی موضوع امنیت در منابع و سیره ائمه (علیهم السلام)
- تلاش برای دستیابی به راهبردهای امنیتی در رابطه با موضوع پژوهش
- متن محوری و استفاده روشی متفاوت به نام «تحلیل محتوا»

۳. روش پژوهش: تحلیل محتوا

این پژوهش براساس هدف، بنیادی و از حیث شیوه گردآوری اطلاعات آمیخته (کیفی و کمی) و توصیفی است و از روش تحلیل محتوا برای استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده ها (Raif et al, 2009: 23) استفاده می شود. در این تحقیق، در پی توصیف عینی منظم و واقعی خصوصیات یک موضوع هستیم و قصد هیچگونه دخالت و یا استنتاج ذهنی از داده ها را نداریم، بلکه قصد نشان دادن وضعیت موجود است. آن هنگام که متن و عبارتهای روایی محل رجوع است، تحلیل کمی موضوعیت دارد و در پی توصیف خصوصیات موضوع تحقیق (راهبردهای امنیتی در سیره معصومین) در منابع روایی مشخص شده هستیم.

رویکرد این تحقیق، اسلامی است و به طور خاص، با بررسی و تدبیر در احادیث و روایات انجام می شود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل منابع اصلی روایی یعنی اصول کافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار می شود. با توجه به اهمیت داده ها، اقدام گزینشی در جامعه آماری با ملاحظات فراوانی روبرو است. بنابراین سعی شده است از گزینش تصادفی اجتناب شود و جامعه آماری پژوهش تمامی منابع اصلی روایی را در برگیرد. لازم به ذکر است، از آن جایی که کتاب الاستبصار شامل گزیده ای از کتاب التهذیب است، برای پرهیز از تکرار، بررسی کتاب التهذیب کفایت می کند. به دلیل اهمیت داده ها در پژوهش، نمونه گیری احتمالی و رندمی انجام نخواهد شد. در برآورد اولیه کل جامعه آماری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در صورت صلاح دید فرایند پژوهش و کارشناسان مشاور ممکن است بعد از مطالعات اکتشافی اولیه، برخی منابع حدیثی یا برخی فصول آن به صورت گزینشی (غیر احتمالی موردی) به نیابت از کل جامعه آماری انتخاب شوند. با توجه به متن محور بودن پژوهش، که به بررسی متون روایی مورد نظر می پردازد، و موضوع تحقیق (راهبردهای امنیتی در سیره معصومین)، در اینجا روش تحلیل محتوا^۱ را متناسب با ماهیت پژوهش خود یافتیم. تحلیل محتوا به طور بالقوه یکی از مهمترین تکنیک های پژوهشی در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده ها نه به منزله مجموعه ای از رویدادهای مادی، بلکه به منزله پدیده های نمادین است و بدون ایجاد اختلال در واقعیت اجتماعی به تحلیل آنها می پردازد. تحلیل محتوا روشی است که می توان آن را درباره ی انواع گوناگون پیام های مندرج در آثار ادبی، مقاله های روزنامه، اسناد رسمی، خطابه ها، اعلامیه های سیاسی، گزارش های اجتماعات، برنامه های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه های نیمه رهنمودی به کار بست. واژه هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به کار می برد، بسامد آنها، وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منبع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آنها محقق می کوشد به شناختی دست یابد (kiwi et al, 2016: 237). کلوس کریپندورف تحلیل محتوا را "تکنیک پژوهشی استنباط معتبر از متن" تعریف می کند. (Kriendorff, 2017: 9-29) "تکنیک" رویه ها یا مراحل کار معینی را در بر می گیرد. "پژوهشی" به این معنا که بینش و فهم ما را از زندگی اجتماعی، و از پدیده های اجتماعی ارتقا می دهد. "استنباط" در ساده ترین تعریفش یعنی پی بردن از چیزی به چیز دیگر. "معتبر بودن" در برگرنده دو ویژگی زیر می باشد: الف) روا بودن و ب) پایا بودن (Misaei et al, 2014: 47). در روش تحلیل محتوا به عنوان روش پژوهش، مراحل زیر را انجام می دهیم:

یک. تعیین و تبیین دقیق متن مورد نظر.

دو. مقوله سازی (مقوله بندی)

در این مرحله آن ویژگی هایی را که در متن می خواهیم جستجو کنیم، مشخص می کنیم. به عبارت دیگر متغیرهایی را که در متن می خواهیم شناسایی کنیم، که می تواند شامل واژه، عبارت و ... باشد، مشخص می کنیم.

¹ Content analysis

سه. واحدهندی

منظور شکستن متن اصلی به واحدهای کوچکتر است. واحدها باید نسبتاً همسان باشند. این واحدها میتواند شامل فصل، پاراگراف و ... باشد. این مرحله در این پژوهش به این صورت اجرا شد که ابتدا هر یک از ابواب کتب روایی را به عنوان یک واحد در نظر گرفتیم. اما با توجه به حجم زیاد منابع موردنظر نمی توان تمام احادیث مرتبط را بررسی کرد. بنابراین در اینجا به دنبال یک دسته بندی بودیم که ضمن حفظ جامعیت پژوهش روند انجام تحقیق را نیز با توجه به زمان محدود آن تسریع بخشد. بدین منظور ائمه معصومین را با توجه به شرایط زمانی آن ها در چند دسته تقسیم کردیم و از هر دسته یک ائمه را به عنوان نماینده آن مشخص کردیم و صرفاً احادیث نقل شده از آن حضرت را که مرتبط با موضوع تحقیق بودند، مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس، مطالعه و تحقیق پیرامون روایات امام علی(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و امام جعفر صادق(ع) صورت می گیرد.

چهار. نشانه گذاری یا رمزگذاری^۱

در این مرحله واحدهایی را که در مرحله سوم مشخص کردیم، از لحاظ ویژگی هایی که در مرحله دوم تعیین کردیم، مورد بررسی قرار می دهیم و آنها را نشانه گذاری می کنیم.

پنج. تحلیل داده ها و شش. استنباط

۴. راهبردهای امنیتی در سیره معصومین علیهم السلام

معصومین (ع) با توجه به شرایطی که در آن قرار داشته اند راهبردهای امنیتی متفاوتی را در پیش گرفته اند که در آن به مسائل امنیتی متناسب با اوضاع زمان و مکان، پاسخی درخور می دادند که در بیان و سیره آنان تجلی پیدا می کرد. از مجموع بررسی هایی که در سیره معصومین (ع) انجام شده است، می توان چهار راهبرد مختلف را از سیره معصومین استخراج کرد و عملکرد آنان را در این موارد تقسیم بندی کرد.

۴-۱. راهبرد امنیتی علوی با عنوان: «مهار قدرت و اعمال قدرت مشروع و امنیت ساز»

این راهبرد با مطالعه دوران خلافت امام علی(ع) و اقدامات حضرت در نسبت با وضعیت بوجود آمده احصا شده است. اگر مساله امنیت را به عنوان متغیر وابسته در نظر بگیریم، شرایط

¹. koding

محیطی، اعم از زمان و مکان، متغیرهای مستقل محسوب می شوند، از این رو، پیش از ورود به مولفه های راهبردی امنیت در سیر حضرت علی(ع)، به محیط شناسی دقیق زمان ایشان نیازمندیم. بررسی دوران منتهی به تاسیس دولت علوی حکایت از آن دارد که منافع ناشی از قدرت بر ایده سعادت چیره شده بود تا حدی که اهمیت قدرت، از نقش ابزاری برای سعادت جامعه، به هدفی برتر در زندگی تبدیل شده بود. گرچه دین همچنان در میان مردم و در میان نخبگان مطرح و معتبر می نمود اما حقیقت آن فروگذارده شده و نوعی انحراف با ظاهری دینی پدید آمده بود. از این رو، عدالت جای خود را به تبعیض و برتری نسب عرب و سبقت در اسلام در تقسیم بیت المال و ارزشمندی اجتماعی داد و علاوه بر این، اشرافیتی در میان مسلمانان بر خلاف احکام الهی و سنت پیامبر(ص) شکل گرفته بود.

از این روی، آنگاه که امیرالمومنین، پس از اصرار فراوان مردم و بزرگان، قدرت خلافت بر مسلمین را پذیرفت، افسار گسیخته آن را مهار کرد و با برقراری عدالت در زمینه های مختلف بویژه اجتماعی و اقتصادی، از فلسفه وجودی قدرت، در مقام عمل، رونمایی کرد تا ناامنی از دست رفته برای طبقات مختلف مردم احیا شود، از این روی، یکی از ویژگی های امام که به آن شهرت یافت همین بود که: «قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ» (Al-Kandhalwi, 1968, V2: 97-203). در اینجا به ذکر به سه مورد از مهمترین اقدامات مبادرت می شود:

۱) در عرصه عدالت اقتصادی: آنگاه که عده ای از نزد امام رفتند و از ایشان خواستند تا اشراف از عرب و قریش را بر موالی و عجم ترجیح دهد؛ اما امام در رد سخنان آنان فرمود: آیا به من می گوید تا پیروزی را با ستم به دست آورم. (Thaqafi, 2016, V1, 75). از این روی، ابن عباس در نامه ای به امام مجتبی(ع)، علت پراکنده شدن برخی از امام علی(ع) و رفتن به سمت معاویه را تقسیم مساوی بیت المال توسط ایشان یاد می کند. (Ibn Abi al-Hadid, 1983, V 7:36)

۲) در عرصه عدالت اجتماعی: رعایت تساوی در میان عرب و عجم، امری نبود که برای اعراب قابل تحمل باشد، از این رو امام، با اعتراضات متعددی مواجه شد که در جواب آنها می فرمود: حضرت آدم نه غلام به دنیا آورد و نه کنیز، بندگان خدا همه آزادند ... اکنون مالی نزد من است و من میان سفید و سیاه فرقی نخواهم گذاشت و آن را به گونه مساوی تقسیم خواهم کرد. (Mahmoudi, 2005, V1:189) یا در



موضع دیگر فرمودند: «من قرآن [را] خواندم و در آن خوب تأمل کردم، در آنجا ندیدم که حتی به اندازه بال پشه‌ای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری داده شده باشند» (Thaqafi, 2016, V1: 70)

۳) در عرصه عدالت سیاسی: تجلی اصلی این موضوع هم در انتصابات است، مانند رد سهم خواهی برخی صحابه و همچنین تغییر کارگزاران و بخش دیگر مربوط به ریشه کن کردن عوامل ناامنی مالی و جانی مردم از تنش های درونی و تهدیدات بیرونی است. (Gholami, 2017 : 35-37)

بر این اساس، به‌طور کلی در راهبرد امنیت علوی، سه رکن و اصل مهم وجود دارد، که عبارتند از:

یک. نفی ارزش استقلالی قدرت و اعمال آن برای فراهم آوردن امنیت مادی و معنوی جامعه

دو. تبیین ابعاد و انواع قدرت مشروع به عنوان رکن امنیت ساز جامعه

سه. لزوم افزایش قدرت امنیت آفرین حکومت اسلامی. (Eftekhari, 2005a : 247)

حضرت علی علیه السلام برای اصلاح گفتمان امنیتی، تورم قدرت را مهار نموده و اصل ارزشمندی قدرت را به نفع اصل قدرت مندی ارزش‌ها که در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهی و سلم جامعه اسلامی شاهد آن بود، نقد و اصلاح نماید. سیره حضرت در برهه های مختلف، نشان دهنده مجموعه ای غنی از سیاست‌گذاری های عملی و ارائه الگویی ماندگار است که مهمترین عناصر آن را، که نقشه عملیاتی برای راهبرد امنیت علوی محسوب می شوند، می توان به این صورت بیان نمود:

۱) **طرد قدرت و پذیرش مشروط آن پیش از خلافت:** حضرت، برای تحقق اصول بنیادی را نخستین اقدام حضرت علی در راستای تحقق رکن نخست، تاکید و تصریح بر شأن ابزاری آن می‌باشد تا از این طریق مرجعیت ناشی از اولویت کسب، حفظ و توسعه قدرت را به نفع اولویت تامین منافع مادی- معنوی جامعه نقد و نفی نماید. به همین دلیل، به‌رغم تاکید بر حقانیت‌شان برای تصدی حکومت پس از رحلت رسول خدا و مجاهدت‌های بعدی خویش در دوران خلفای سه گانه با مراجعه مردم به ایشان، حضرت دو سیاست مهم یعنی طرد قدرت و نقد قدرت را اتخاذ نمودند. ایشان به‌منظور اصلاح قدرت و تعیین جایگاه آن در عمل نشان می‌هد که هیچ رغبتی در تصدی قدرتی که

تبدیل به هدفی مستقل شده است، ندارد و آن را نمی‌پذیرد مگر با شروطی که نشان می‌دهد قدرت باید ابزاری برای اعمال امامت باشد.

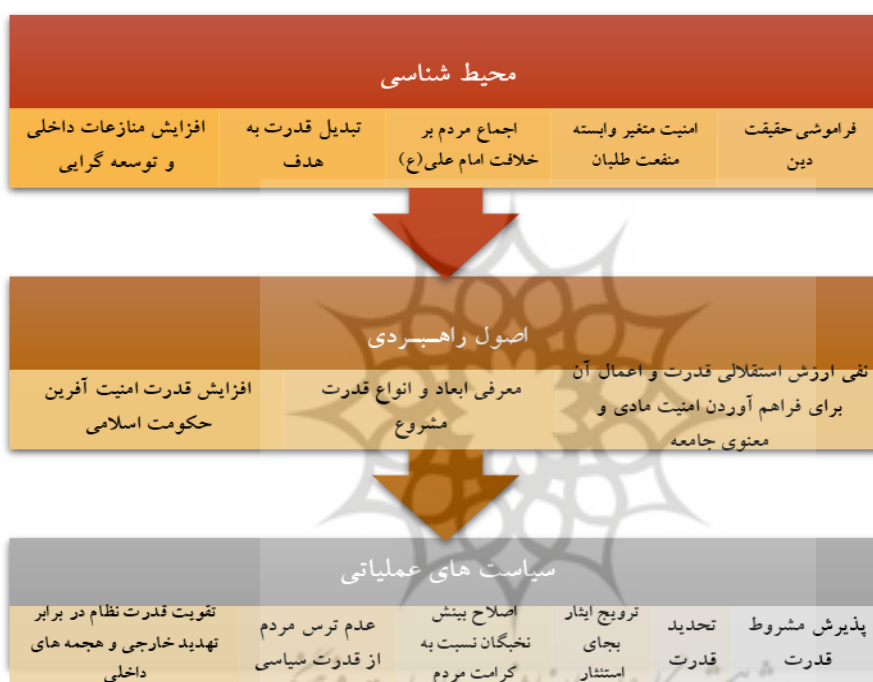
(۲) **نفی امتیازات قدرت و تحدید قدرت:** از سوی دیگر به دلیل نهادینه شدن رویکرد قدرت محور در شبکه روابط دولت-مردم، حضرت علی(ع) پس از تصدی حکومت، در فرازهای مختلف مردم را نسبت به نفی ارزش استقلالی قدرت متذکر شدند. حضرت برای مقابله با تورم قدرت، تعریف قدرت به اعمال سلطه یک‌جانبه را در رابطه با مردم نقد کرده و تلاش می‌نمایند تا با تحدید قدرت آن را از تعرض به ورای مرزهای عقلی و شرعی بازدارند.

(۳) **ترویج ایثار بجای استتار:** حضرت علی رمز شدت یافتن جریان رقابت بر سر قدرت و بر هم خوردن مناسبات سالم سیاسی-اجتماعی را در نهادینه شدن پدیده «استتار» در جامعه اسلامی می‌دانند. استتار به معنای مقدم داشتن خود بر دیگران است که پدیده‌ای مخالف با ایثار ارزیابی می‌شود. حضرت به شدت این خصلت را مذموم پنداشته و آن را دلیل زوال حکومت‌ها می‌دانند.

(۴) **اصلاح بینش نخبگان نسبت به کرامت مردم:** امام(ع) بینش نخبگان حاکم را به قدرت اصلاح کرده و تاکید می‌نمایند که قدرت حق تعرض به کرامت انسانی افراد جامعه را ندارد؛ قدرت نباید حرمت خون را نادیده انگاشته و به خشونت گراید؛ اصل بر اعتماد به مردم است و قدرت نباید با بی‌اعتمادی با مردم رفتار نماید.

(۵) **عدم ترس مردم از قدرت سیاسی:** آن حضرت، هم‌زمان بینش و گفتمان عمومی جامعه را اصلاح کرده و با ذکر اصولی عملی تصویری از حکومت را که در آن قدرت به ابزاری برای اعمال فشار به مردم تبدیل می‌شود، نقد نموده و تصویری از حکومت عرضه کردند که شاخص بارز آن عدم ترس مردم از قدرت سیاسی است. (Eftekhari, 2005b: 474)

(۶) **تقویت قدرت نظام در برابر تهدید خارجی و هجمه های داخلی:** دومین رکن در راهبرد علوی بیان می‌دارد که حضرت علی به معادلات و فرآیندهای قدرت در خارج از قلمرو اسلامی توجه کامل داشتند و حمایت از اصل حکومت اسلامی را با هدف تقویت قدرت نظام اسلامی در مقابل قدرت‌های مخالف و معارض از آن حیث دنبال می‌نمودند



شکل ۱: مدل راهبرد امنیتی علوی

۲-۴. راهبرد امنیتی «مصلحت محور»

پرسش از چرایی صلح امام حسن (ع) با معاویه و مقایسه با قیام امام حسین(ع)، یکی از مسائل پرتکرار تاریخ بوده است که برخی تفاوت روحیات و خلیقات این دو امام را علت تفاوت در عمل سیاسی آنان می دانند که یکی صلح طلب و دیگری طبعاً جنگ طلب بوده است. در حالی که حقیقت چنین نیست و متغیر شرایط زمان و مکان، حتی در نسبت با تحولات مربوط به امنیت نیز نقش اساسی ایفا می نماید، یعنی هر امام دیگری نیز در هر یک از این شرایط بود، بنابر قاعده مصلحت، همان اقدام را رقم می زد.

که به دفع تهدید خارجی و به کرات و با تعابیر مختلف یاد کرده اند (Alikhani, 2008: 10). به طور کلی حضرت چون تصدی امور را بر عهده گرفت، چند سیاست عملی در دستورکار خود قرار داد که عبارتند از: اصلاح تصمیم سازی، اصلاح سازمان قدرت و اصلاح روابط. باتوجه به مطالب فوق مدل راهبرد امنیتی علوی را به صورت ذیل:

امام حسن(ع) در شرایطی صلح را پذیرفت که حمایت کافی مردم و نیروهای جنگی کارآمد وجود نداشت (Mofid, 2002, V2: 10 & Tabarsi, 1992, V2: 291) و خطر خوارج در تسلط بر سرزمین های اسلامی و جنگ با آنها و سوء استفاده معاویه از این موقعیت برای دستیابی به اهداف خود(Ibn Arabi, 1987, V3 : 152) تهدید بزرگی به شمار می رفت. همچنین، بسیاری از شیعیان خاص حضرت علی(ع) در جنگ های جمل، صفین و نهروان به شهادت رسیده بودند و تنها عده کمی از آنان باقی مانده بود و امام حسن(ع) اهتمام ویژه ای برای جلوگیری از سرکوب و کشته شدن شیعیان داشتند. (Sadouqh, 2006, V1:211 & Majlesi,1982, V75:35) بنابراین، مصلحت مسلمین اقتضا می کرد که برای حفظ اصل دین(Sharif Qurashi, 1998:35)، جلوگیری از خون ریزی و کشتار مسلمانان(Ibn Athir, 2005, V3:409) و فراهم آوردن زمینه های رشد معنوی و تامین مالی شیعیان(Dinevari, 1960:218) و آماده سازی زمینه برای اصلاحات و تغییرات در آینده، صلح نامه ای را با معاویه منعقد نماید. از این رو، حتی در متن صلح نامه نیز، شرایطی را معین نمود که این اهداف محقق شود، از جمله: عمل به کتاب خدا و سنت پیامبراسلام، سلب حق تعیین جانشین از معاویه، وجود امنیت همگانی، امنیت شیعیان، پرهیز از هرگونه توطئه علیه امام حسین و سایر اهل بیت(ع)، توقف لعن بر امام علی و عدم تبعیض میان مردم. (Ibn Atham Kufi, 1990, V4:290-291)

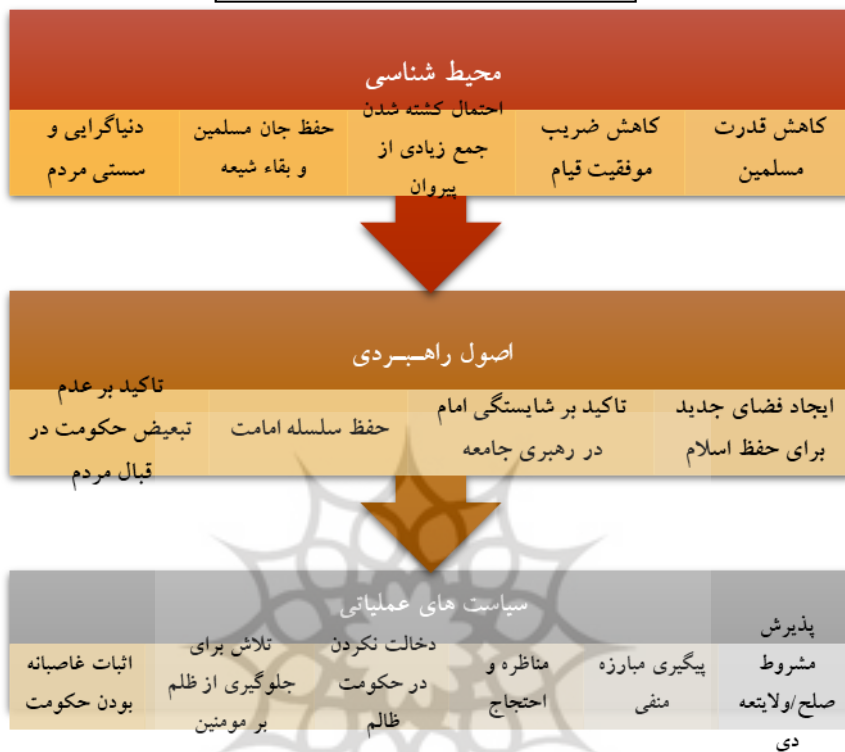
مطالعه محیط شناسانه در نسبت مامون عباسی و امام رضا (ع) نیز، شباهت های زیادی به تحولات عصر امام حسن(ع) از جهت تشخیص راهبرد امنیتی، دارد. سیره صلح حسنی براساس مصلحت شرعی را می توان در قبول ولایتعهدی امام رضا دارای نمود و بروز دانست و از آنجاکه تقویت مصالح کلی اسلام و امت، اتخاذ چنین راهبردی را ایجاب کرد، بنابراین قبول ولایتعهدی را باید در عداد راهبرد مصلحت محور دانست. مصلحت کلی در این گونه واکنش های سیاسی سعی در مشروعیت ندادن به نظام حاکم، افشاگری و ختنی کردن فشارهای تخریبی و ایجاد فضای جدید برای حفظ اسلام و امت از سرکوب و اختناق است. (Amid Zanjani, 2005, V9:154). در برخورد و تعاملات امام رضا (ع) با حکومت عباسی اصلی اساسی نهفته است که ریشه در غنای مکتب اهل بیت و دوراندیشی ائمه (ع) دارد.

(Derakhsha, J. & Hosseini Faeqh, 2014:28-29) امتناع مکرر حضرت از قبول دعوت مأمون، سفر به مرو به تنهایی و بدون همراه بردن خانواده، بیانات حضرت هنگام خداحافظی از

اهل بیت شان، رویدادهای مسیر حرکت اجباری حضرت از مدینه تا مرو، حضور ایشان در نیشابور و سایر منزلگاهها، بیان احادیث و ملاقات با شیعیان در طول مسیر، همه حاوی پیامهای سیاسی خاصی برای شیعیان بوده که گاه بنا بر شرایط موجود امکان بیان صریح و عمومی برخی از آنها وجود نداشته است. نقطه اوج جهت‌گیری‌های سیاسی حضرت هنگام پیشنهاد مأمون برای واگذاری خلافت یا ولایتعهدی اتفاق می‌افتد. پاسخها و مواضعی که حضرت در این برهه و پس از قبول ولایتعهدی در مقابل مأمون اتخاذ می‌کنند حاوی اصول اساسی تفکر سیاسی امامت شیعه است. به عنوان نمونه اصولی که از سیره حضرت قابل برداشت است عبارتند از: اثبات اصل امامت، مقام امامت و شایستگی ذاتی و الهی امام برای رهبری جامعه اسلامی، لزوم حفظ سلسله امامت و طریق هدایت از شر بدخواهان و معاندان، رعایت اصل تقیه، امریه معروف و نهی از منکر، لزوم حفظ کیان اسلام، توجه به مصلحت عمومی مسلمانان، پیگیری مبارزه منفی، شرایط همکاری یا مقابله با حکومت جور، مقدم دانستن هدف بر وسیله، اهم و مهم، تکلیف‌مداری، صراحت و صداقت در سیاست، بسترسازی قیام‌های ضد طاغوت، حمایت پنهان و آشکار از حرکت‌های آگاهی‌بخش سیاسی اجتماعی، اثبات غاصبانه بودن خلافت، انتقال بصیرت سیاسی و... اصولی از این قبیل که امام رضا (ع) با درایت و حکمت هر یک از این اصول را در هنگام مقتضی در صحنه سیاسی و اجتماعی به کار گرفته‌اند. (Derakhsha, J. & Hosseini Faeqh, 2012: 8-11)

درباره رابطه امام با مأمون پس از ولایتعهدی در امور حکومت، اصل حاکم از سوی امام (ع) دخالت نکردن است و ایشان براساس حرمت کمک به طاغوت و تأیید وی و نیز شرطی که در ابتدا مطرح فرموده بودند، با هرگونه دخالت مخالفت ورزیدند. (Majlesi, 1997, V4:171) در احادیثی که از امام رضا (ع) در این باره وارد شده، برای همکاری با سلطان همواره یک غرض و یک فایده ذکر شده است؛ غرض از همکاری، حفظ خون همکاری کننده و دفع خطر سلطان از جماعت امامیه است و فایده همکاری این‌که آن شیعه که منصبی از جانب سلطان گرفته، بتواند در حد همان منصب در رفع مظالم و احقاق حقوق مؤمنان بکوشد. (aktachi, 2012:150-151) مدل امنیتی مصلحت محور:

شکل ۲: مدل راهبرد امنیتی مصلحت محور

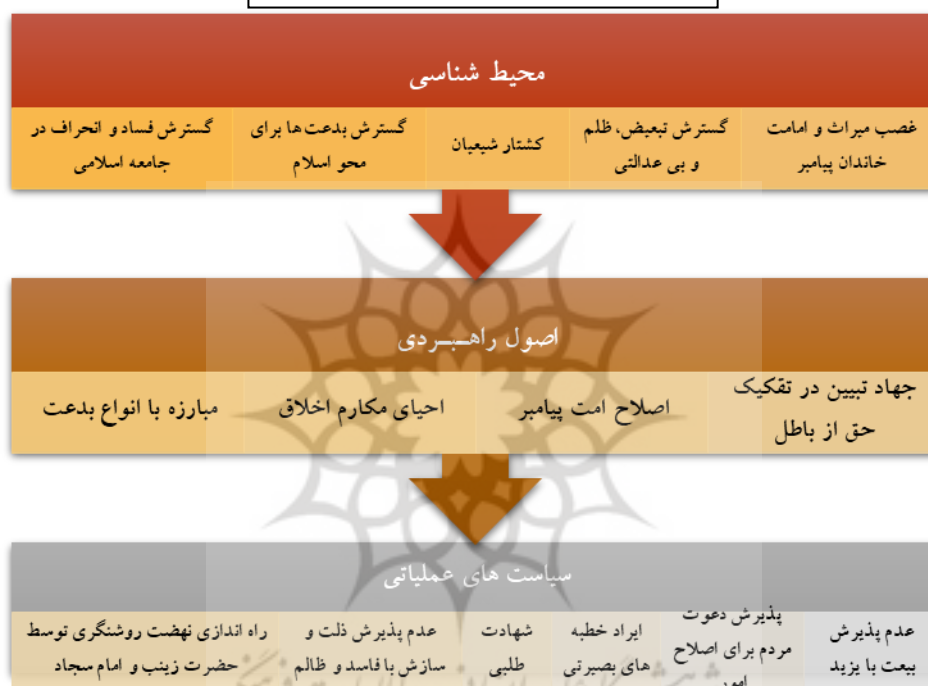


۳-۴. راهبرد امنیتی «امر به معروف و نهی از منکر»

پس از مرگ معاویه، برخلاف مفاد صلح نامه با امام حسن، یزید، غاصبانه به عنوان خلیفه معرفی شد، در حالیکه آشکارا به فسق و انحرافات اخلاقی می پرداخت و به طور فزاینده، موجب ناامنی و نابسامانی وضعیت مسلمین شد و خطراتی جامعه را تهدید می کرد که منجر به اتخاذ راهبرد امر به معروف و نهی از منکر برای برقراری امنیت ایمانی و مادی مسلمین توسط امام حسین(ع) شد. ایشان شرایط ایجاد شده را، به مثابه متغیر مستقل، در عبارات و موقعیت های متعدد شرح داده اند که مطالعه آنها، ابعاد و زوایای متعدد راهبرد امام را بهتر روشن می سازد، از جمله: ۱. به خطر افتادن بقاء دین با حکومت یزید (Majlesi, 1982, V 44:326). ۲. از بین رفتن سنت پیامبر(ص) (Majlesi, 1982, V 44:340). ۳. ایجاد بدعت های جدید در دین (Sharif Qurashi, 1998, V2:322)، ۴. افساد آشکار و غارت اموال فقیران و مردم (Ibn

۵. پرهیز از عمل به حق و ترویج باطل (Majlesi, 1982, V 44:381) در چنین شرایطی، راهبرد امام حسین(ع)، برای مقابله با این ناامنی، بر مدار امر به معروف و نهی از منکر شکل گرفت، چنانکه در وصیت نامه خود، که هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه، به برادرش محمد حنفیه نگاشت، ضمن بیان عقیده خویش درباره توحید، نبوت

شکل ۳: مدل راهبرد امنیتی امر به معروف و نهی از منکر



و معاد، اهداف خود را از این حرکت بیان می کنند: «من از روی سرمستی، گردنکشی، تبهکاری و ستمگری قیام نکرده ام، بلکه به پا خواسته ام تا کار امت جد خویش به اصلاح آرم و می خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم؛ و روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب در پیش گیرم» (Majlesi, 1982, V 44:329) امام حسین علیه السلام در این راه همچنین از هرگونه جنگ افروزی نیز خودداری کردند و به یارانش فرمودند: ما آغازگر جنگ نخواهیم بود. (Tabari, 2010, V4: 309) آن حضرت حتی صبح عاشورا از گفتگو با کوفیان خودداری نکرد. (Tabari, 2010, V4: 316).

۴-۴. راهبرد امنیتی «تقیه»

یکی از شیوه‌های مبارزاتی ائمه معصومین (ع) و تربیت شدگان مکتب اهل بیت (ع) با دشمنان اسلام، در عصر خفقان، شیوه «تقیه» یا مبارزه مخفی بوده است. مبارزه مخفی در شرایطی که قیام مسلحانه بی اثر می نمود و حتی با فرض پیروزی و به نتیجه رسیدن قیام، امکان تشکیل حکومت (مطابق با اصول و مبانی شیعی) وجود نداشت؛ بهترین راهبرد به حساب می آمد. (Derakhsha & Pfaeagh, 2014:23) شیخ مفید (ره) در تعریف تقیه می نویسد: «تقیه مخفی کردن حق و پوشاندن عقیده حق است و نیز مخفی کاری و ترک آشکارسازی با مخالف در مورد چیزهایی است که ضرر دینی و یا دنیایی را در پی دارد.» (Mofid, 1992:246) از نظر روایات تقیه پیشینه ای کهن دارد و قبل از اسلام نیز وجود داشته است. می توان گفت تقیه از حمله احکام امضایی شارع در طول تاریخ زندگی بشر است. (Batahaei, 2008:70) با ظهور اسلام و گرایش افراد به آن، حساسیت قریش و گروه های دیگر علیه اسلام و پیروان آن برانگیخته شد و سخت گیری ها آغاز گردید، به نحوی که یاسر و همسر او به جرم پذیرش اسلام به قتل رسیدند. ولی فرزند ایشان تنها راه نجات خود را در آن دید که به ظاهر مطابق میل کفار سخن بگوید و بدین ترتیب با تبری لفظی از پیامبر (ص)، از آسیب کفار در امان ماند. یکی از آیاتی که در قرآن مشروعت تقیه را اثبات می کند آیه ای است که در باره همین داستان نازل شده است، و کار عمار را مورد پسند خدا معرفی کرد (Surah Nahl, verse 106). پیامبر (ص) وقتی شنید برخی می گویند عمار کافر شده است، نه تنها او را با این وصف تمجید نمود که «عمار کافر نشده است و کافر نمی شود، از فرق سر تا قدم او پر است از ایمان و ایمان با گوشت و خون او در آمیخته است»، بلکه پس از ورود او به مدینه و بیان آنچه رخ داد، ضمن تأیید کار عمار، قاعده ای را که از آن به تقیه یاد می شود، با این کلمات ایراد فرمود: «إن عادوا لک فعد لهم بما قلت» یعنی «اگر بار دیگر در چنان شرایطی قرار گرفتی، همان کار را انجام بده» (Al-Wahidi, 1990, V1: 289) حضرت علی (ع) نیز روزی در منبر مسجد کوفه، خطاب به مردم فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ سَتُدْعَوْنَ إِلَى سَبِّ فَسُبُّونِي وَ تَدْعَوْنَ إِلَى الْبِرَاءَةِ مِنِّي وَ إِنِّي لَعَلِّي دِينَ مُحَمَّدٍ» یعنی «همانا شما را به سب بر من خوانند مرا سب کنید سپس به بیزاری از من خوانند و راستی که من بر دین محمد باشم» (Majlesi, 2007, V 2: 251) لازم به ذکر است که این موارد در شرایط عادی نیست، بلکه در حالت تقیه صدق می کند. براین اساس، در راهبرد تقیه اهداف ذیل دنبال می شود:

- (۱) حفظ نیروهای مؤمن از متلاشی شدن به دست ناصالحان؛
- (۲) هدر نرفتن توان عناصر مؤمن در راه‌های کم ثمر و ذخیره سازی آن‌ها برای شرایط؛
- (۳) حفظ اسرار و خط مشی‌ها و برنامه‌ها از فرارگرفتن در اختیار دشمن؛
- طبق آنچه بیان شد، شرایطی که مصداق راهبرد تقیه باشد، در مقاطع مختلف تاریخ زندگانی اهل بیت به وجود آمده است، اما در زمان برخی ائمه اطهار(ع)، میزان فشار حاکمیت و محدودیت‌های بوجود آمده به حدی بالا می‌رفت که تقیه، نه به عنوان رفتار موردی از سوی یاران و شیعیان، بلکه به عنوان یک راهبرد ضروری و اولیت دار صورت بندی و عملیاتی شد. از جمله این شرایط، در دورانی از حیات و امامت حضرت صادق (علیه السلام) به وقوع پیوست. اکثر روایات شیعه از زبان امام صادق علیه السلام صادر شده است. همچنین دوره امامت آن حضرت یکی از طولانی‌ترین دوران‌های امامت ائمه علیهم السلام به شمار می‌رود. امام صادق علیه السلام اگرچه در مقطعی از دوره امامت خود به خصوص پس از حکومت هشتم تا دهه اول حکومت منصور یعنی از سال ۱۲۵ تا ۱۴۵ ق. توانست آزادانه به نشر حقایق و معارف دین اسلام بپردازد، اما به جهت فشارهای سیاسی حکومت‌های اموی و عباسی و کشتار شیعیان (Jafarian, 2013: 435) و نبود یاران راستین (Ibn Shahr Ashub, 1959, V4: 237) از روش تقیه استفاده می‌کرد و به یارانش نیز چنین توصیه می‌کرد. (Jafarian, 2013:435) روایات فراوانی وجود دارد که آن حضرت، دستور تقیه را برای اصحاب و یاران خود صادر می‌فرمود، به عنوان نمونه، به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود:
- یک. فرو بردن خشم از دشمن در زمان حکومت آنها به جهت تقیه احتیاط است برای کسی که آن را عمل کند و دوری جستن از بلا در دنیا می‌باشد (Majlesi, 1997, V75: 411).
- دو. کسی که به تقیه عمل نمی‌کند مانند کسی است که نماز نمی‌خواند قطعاً راست گفته‌ام و تقیه در همه چیز می‌باشد تا به حد خون (جان دیگران) برسد؛ پس وقتی به ریختن خون رسید تقیه جایز نیست. (Majlesi, 2007, V72: 421)
- البته روش تقیه، به معنای تایید باطل و پرهیز از بیان حق نیست، حتی تلقی انزوا و سکوت هم از آن جایز نیست، بلکه تقیه یک راهبرد مبارزاتی است که به جای قیام و بیان آشکار حقایق و تظلم خواهی از طاغوت، به شبکه سازی جریان حق، به صورت پنهان، مبادرت می‌شود تا ضمن تقویت علمی و آماده سازی‌های ایمانی و فکری جامعه، در موقع لزوم، به دفاع علنی از

حق و قیام علیه ظالم بردارند. آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی، یکی از ویژگی های حیات علمی - سیاسی امام صادق(ع) در شرایط تقیه را، «تشکیل و رهبری مخفیانه شبکه ی تبلیغاتی وسیع به منظور اشاعه ی امامت آل علی(ع) و تبیین درست مسأله ی امامت» می داند، «شبکه ای که در بسیاری از نقاط دوردست کشور مسلمان، به ویژه در نواحی عراق و خراسان، فعالیت های چشمگیر و ثمربخشی درباره ی مسأله ی امامت عهده دار بود.» (Statements of Ayatollah Khamenei, 2011/02/21)

۵. تجزیه و تحلیل راهبردهای امنیتی سیره معصومین علیهم السلام در کتب مرجع شیعه

با توجه به شباهت هایی که بین برخی از شرایط و محیط زیست اجتماعی ائمه معصومین، به عنوان متغیر مستقل، در تعیین راهبرد امنیتی، به عنوان متغیر وابسته، وجود داشت، چهار دوره

شکل ۴: مدل راهبرد امنیتی تقیه



زمانی و به تبع آن، چهار امام، مبنای مطالعه و تعیین راهبردها قرار داده شد. در این قسمت،

مبانی نظری گفته شده را با توجه به یافته های ناشی از تحلیل محتوای منابع اربعه به محک آزمون گذاشته می شوند.

یک ویژگی کلی در هر چهار منبع مورد بررسی، به طور مشترک وجود داشت که از تکرار آن در بررسی منابع به صورت جداگانه خودداری می کنیم، که عبارت است از اینکه در متون چهار گانه، در هیچ کدام از آن ها در رابطه با امنیت، مطلبی از دو نمونه از چهار نمونه انتخابی ما یافت نشد. آن دو نمونه هم شامل احادیث منتسب به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می شود. بنابراین در این قسمت صرفاً به بررسی احادیث مربوط به دو نمونه انتخاب شده دیگر یعنی احادیث امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام راجع به امنیت مبادرت می شود.

۵-۱. تجزیه و تحلیل راهبرد های امنیتی در کتاب اصول کافی

در کتاب اصول کافی، با توجه به نمونه گیری های انجام شده، در مجموع ۴۳۹ حدیث مرتبط با امنیت یافت شد. از مجموع ۴۳۹ حدیث، ۳۹ حدیث منتسب به امام علی علیه السلام است که آن را راهبرد امنیتی علوی نام گذاری کردیم. بقیه احادیث نیز که شامل ۴۰۰ حدیث می شود، منتسب به امام صادق و به عبارتی راهبرد امنیتی تقیه می شود. بنابراین، در کتاب اصول کافی، سهم استراژی امنیتی علوی ۹ درصد، و سهم راهبرد امنیتی تقیه ۹۱ درصد است.

جدول ۲: سهم راهبرد های امنیتی در کتاب اصول کافی

ردیف	نوع راهبرد امنیتی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	راهبرد علوی	۳۹	۹٪
۲	راهبرد تقیه	۴۰۰	۹۱٪
۳	مجموع	۴۳۹	۱۰۰٪

موضوعاتی که در هر دو راهبرد امنیتی در کتاب اصول کافی مورد بحث قرار گرفته اند، قابل توجه هستند. این موضوعات همان موضوعاتی است که در مفهوم سازی راهبردها به آن ها اشاره شد. سه موضوع محوری به عنوان وجه مشخصه راهبرد امنیتی علوی بیان شد که به مصداق هایی از آن ها اشاره می کنیم. «نفی ارزش استقلالی قدرت و اعمال آن برای فراهم آوردن امنیت مادی و معنوی جامعه» (Majlesi, 1997, V1:27)، اهمیت کسب روزی حلال (Majlesi, 1997, V1:57)، فرمانبری هوس ها و بدعت نهادن احکام بر خلاف قرآن عامل

پیدایش آشوب ها (Majlesi, 1997, V1:69)، فتنه گری (Majlesi, 1997, V1:70)، و ... اشاره کرد. دومین موضوع راهبرد آمینتی علوی « معرفی ابعاد و انواع قدرت مشروع » است که از معرف های آن می توان به احادیثی با موضوعات اراده گرایی خداوند (Majlesi, 1997, V3: 94)، همانندی جدایی از دین به جدایی از امنیت (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱)، شرایط نامنی قبل از نزول قرآن (Majlesi, 1997, V1: 78) و ... اشاره کرد. در نهایت ویژگی دیگری که برای راهبرد آمینت علوی بیان کردیم، « افزایش قدرت امنیت آفرین حکومت اسلامی » بود (Majlesi, 1997, V2: 362)، نهی عهدشکنی (Majlesi, 1997, V4:34) و ... اشاره کرد.

۲-۵. تجزیه و تحلیل راهبرد های آمینتی در کتاب من لایحضره الفقیه

در کتاب من لایحضره الفقیه نیز راهبرد های آمینتی با کمی اختلاف، شرایطی مثل کتاب اصول کافی دارند. بدین نحو که در کتاب من لایحضره الفقیه نیز سهم راهبرد آمینتی علوی کمتر از راهبرد آمینتی تقیه است. از مجموع ۲۸۶ حدیث یافت شده مرتبط با امنیت در این کتاب سهم راهبرد آمینتی علوی ۴۲ حدیث و ۲۴۴ مورد دیگر، در راهبرد آمینتی تقیه جای می گیرند. بنابراین راهبرد علوی ۱۵ درصد و راهبرد تقیه ۸۵ درصد احادیث مرتبط با امنیت را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳: سهم راهبرد های آمینتی در کتاب من لایحضره الفقیه

ردیف	نوع راهبرد آمینتی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	راهبرد علوی	۴۲	۱۵٪
۲	راهبرد تقیه	۲۴۴	۸۵٪
۳	مجموع	۲۸۶	۱۰۰٪

سه موضوع محوری به عنوان وجه مشخصه راهبرد آمینتی علوی بیان شد که در این جا به مصداق هایی از آن ها که در احادیث مرتبط با امنیت در کتاب من لایحضره الفقیه وجود دارد، اشاره می کنیم. «نفی ارزش استقلالی قدرت و اعمال آن برای فراهم آوردن امنیت مادی و معنوی جامعه»، که از جمله می توان به موضوعاتی از قبیل نهی از حضور تنها یکی از طرفین دعوا در پیش قاضی (Sadouq, 1992, V 4:14)، پرهیز از خشم و غضب در قضاوت (Sadouq, 1992, V 4: 15-16)، رفتار جدی و سخت گیرانه با رشوه دهندگان (Sadouq, 1992, V 4:17)، نهی ربا و کم فروشی (Sadouq, 1992, V 4, . 262-263) و ... اشاره کرد.

دومین موضوع راهبرد امنیتی علوی « معرفی ابعاد و انواع قدرت مشروع » است که از معرف های آن می توان به احادیثی با موضوعات ایمان (Sadouq, 1992, V 1: 305)، وعده بهشت (Sadouq, 1992, V 1:179)، رعایت عدالت در خراج گرفتن (Sadouq, 1992, V 2: 351-352) و ... اشاره کرد. در نهایت، « افزایش قدرت امنیت آفرین حکومت اسلامی » بود، مثل عدم همکاری با بدعت گذار (Sadouq, 1992, V 5:300) و ... اشاره کرد.

۳-۵. تجزیه و تحلیل راهبرد های امنیتی در کتاب التهدیب

در کتاب التهدیب نیز نمایش راهبرد های امنیتی تقریباً شبیه دو منبع قبلی است. بدین صورت که در این کتاب نیز سهم راهبرد امنیتی علوی به مراتب کمتر از سهم راهبرد امنیتی تقیه است. راهبرد امنیتی علوی در این کتاب، از مجموع ۱۳۸ حدیث مرتبط با امنیت ۹ حدیث را به خود اختصاص داده است. اگر بخواهیم این مقدار را به درصد فراوانی بیان کنیم، همان طور که جدول ذیل نشان می دهد، ۶.۵ درصد می شود. در مقابل، بقیه احادیث مرتبط، یعنی ۱۲۹ مورد باقی مانده در راهبرد امنیتی تقیه جای می گیرند. با توجه به این تعداد احادیث جدول ذیل درصد فراوانی راهبرد امنیتی تقیه را ۹۴.۵ درصد بیان می کند که به مراتب بالاتر از سهم راهبرد امنیتی علوی در این منبع (التهدیب) است و اختلاف زیادی با آن دارد.

جدول ۴: سهم راهبردهای امنیتی در کتاب التهدیب

ردیف	نوع راهبرد امنیتی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	راهبرد علوی	۹	۶.۵٪
۲	راهبرد تقیه	۱۲۹	۹۴.۵٪
۳	مجموع	۱۳۸	۱۰۰٪

سه موضوع محوری به عنوان وجه مشخصه راهبرد امنیتی علوی بیان شد. « نفی ارزش استقلالی قدرت و اعمال آن برای فراهم آوردن امنیت مادی و معنوی جامعه » از موضوعاتی است که به کرات در احادیث مربوط به این راهبرد به بحث گذاشته شده است. از جمله می توان به موضوعاتی از قبیل نهی رفتار ظالمانه با بردگان (Tusi, 1986, Heritage season,) و (Anecdote 18)، مقابله با فتنه گران (Tusi, 1986, fight and jihad season, Anecdote7)، و ... اشاره کرد. دومین موضوع راهبرد امنیتی علوی « معرفی ابعاد و انواع قدرت مشروع » است که از معرف های آن می توان به احادیثی با موضوعات حقوق جنگ (Tusi, 1986, fight and

19 (Tusi, 1986, Business and) عدالت در اخذ زکات (jihad season, Anecdote) ... اشاره کرد. در نهایت ویژگی دیگری که برای امنیت livelihood season, Anecdote30) و ... اشاره کرد. در نهایت ویژگی دیگری که برای امنیت علوی بیان کردیم، «افزایش قدرت امنیت آفرین حکومت اسلامی» بود که در احادیث یافت شده مصداق هایی از آن نیز یافت می شود. مثل مجازات سارقان (Tusi, 1986, Laws and) olicies season, Anecdote5) و ... اشاره کرد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی راهبردهای امنیتی در سیره معصومین پرداخته است. از آن جایی که از مهمترین منابع در شناخت سیره معصومین، کتب اربعه شیعه است، بنابراین در این پژوهش این بررسی با تحلیل محتوای آنها انجام شد. با توجه به شباهت هایی که بین برخی از دوره های زمانی اهل بیت وجود داشت، با بررسی صورت گرفته در تحولات زمان ائمه اطهار، مشخص شد می توان، چهار دوره زمانی و چهار دسته استراتژی را احصا نمود، به طوریکه نگاهی کلان و جامع به راهبردهای امنیتی معصومین ارائه شود. متعاقب هر راهبرد، شرایط و تحولات زمان یک یا دو نفر از امامان را به عنوان نمونه آوردیم و بررسی های تحلیل محتوای خود را محدود به روایات آنان نمودیم. لازم به ذکر است که تقسیم بندی زندگی ائمه معصومین به استراتژی های مختلف، ناشی از متغیر محیط و مکان مختلف زندگی آن هاست، نه اختلاف در بینش و برداشت آنان، به طوریکه اگر هر یک از اهل بیت، در شرایط یکدیگر بودند، همان تصمیم را اتخاذ می کردند. در مجموع، چهار استراتژی شامل دوران امام علی (ع) «استراتژی امنیتی مهار قدرت و اعمال قدرت مشروع و امنیت ساز»، دوران امام حسن (ع) و امام رضا (ع)، «استراتژی امنیتی مصلحت محور»، دوران امام حسین (ع) «استراتژی امنیتی امر به معروف و نهی از منکر»، و دوران امام صادق (ع) «استراتژی تقیه» می شوند. پس از انجام مراحل تحلیل محتوا و تتبع در کتب اربعه برای دستیابی به استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده ها، می توان مدلی جامع از راهبردها، ویژگی های هر کدام و سیاست های عملی صورت گرفته برای تحقق راهبردها به صورت زیر ارائه نمود:

راهبردهای امنیتی در سیره معصومین (علیهم السلام)		
اصول راهبردی	محیط شناسی	راهبرد
<ul style="list-style-type: none"> - قدرت برای فراهم آوردن امنیت مادی و معنوی - معرفی ابعاد و انواع قدرت مشروع - افزایش قدرت امنیت آفرین حکومت اسلامی 	<ul style="list-style-type: none"> بررسی شرایط زمانی خلافت امام علی(ع) 	<ul style="list-style-type: none"> مهار قدرت و اعمال قدرت مشروع و امنیت ساز
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فضای جدید برای حفظ اسلام - تاکید بر شایستگی امام در رهبری جامعه - حفظ سلسله امامت - تاکید بر عدم تبعیض حکومت در قبال مردم 	<ul style="list-style-type: none"> بررسی شرایط زمانی امام حسن(ع) و امام رضا(ع) 	<ul style="list-style-type: none"> راهبرد مصلحت محور
<ul style="list-style-type: none"> - جهاد تبیین در تفکیک حق از باطل - اصلاح امت پیامبر - احیای مکارم اخلاق - مبارزه با انواع بدعت 	<ul style="list-style-type: none"> بررسی شرایط زمانی امام حسین(ع) 	<ul style="list-style-type: none"> راهبرد امریه معروف و نهی از منکر
<ul style="list-style-type: none"> جلوگیری از تحریف دین و حفظ و گسترش معارف اسلام شبکه سازی و تشکیلات ایدئولوژیکی-سیاسی - مبارزه مخفی 	<ul style="list-style-type: none"> بررسی شرایط زمانی امام صادق(ع) 	<ul style="list-style-type: none"> راهبرد تقیه

منابع

- The Holy Quran
- Alikhani, Ali-Akbar (2008), Political development from Imam Ali's point of view, Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
- Al-Wahidi, Abi al-Hassan Ali ibn Ahmed (1990), Reasons for going down, investigator: Kamal Bassiouni Zaghoul, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.
- Al-Kandhalwi, Mohammad Yusuf (1968), The life of the Companions, Beirut: Dar al-Qalam
- Al-Muzaffar, Mohammad Reza (1991), Principles of Jurisprudence, Tehran: Publishing Center of Islamic Propaganda Office of Qom Seminary
- Amid Zanjani, Abbas Ali (2005), Political Jurisprudence: Rules of Political Jurisprudence (Maslehat), Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

- Ashuri, Dariush (2008), Political Encyclopaedia, Tehran: Marvarid Publishing. [In Persian]
- Batahaei, Seyyed Hashem (2008), "Taqiyyah and its place in religious and legal rulings", Qom Higher Education Complex Magazine, year 14, vol. 12, pp. 187-206. [In Persian]
- Derakhsha, J. and Hosseini Faeqh, M. (2014), "Political Authors in Imam Reza's Biography", Farhang Razavi, Year 3, Number 12, pp. 7-34. [In Persian]
- Derakhsha, J. and Hosseini Faeqh, M. (2012), Politics and Government in the Biography of Imam Reza (AS), Tehran: Cultural and Artistic Foundation of Imam Reza (AS). [In Persian]
- Delshad Tehrani, Mostafa, and Ayanevand, Sadegh (2007), "Biographical Writing: Trends and Necessities", Hamshahri Guide, Year 12, Number 11, pp. 4-6. [In Persian]
- Dinevari, Ahmed bin Dawood (1960), Akhbar al-Tawal (All news) , Cairo: Dar Revival of Arabic Books.
- Eftekhari, Asghar (2005 a), "Security Strategy of the Alavi Government", Strategic Studies Quarterly, Year 8, Number 29, pp. 459-486. [In Persian]
- Eftekhari, Asghar (2005b), "Development of Alevi security theory; Analysis of the period before Imam Ali's rule", Strategic Studies Quarterly, Year 8, Number 2, pp. 257-231. [In Persian]
- Gholizadeh, Ahmad (2000), Terminology of the principles of jurisprudence, Tehran: Noor Al-Asafia Scientific and Cultural Research Foundation. [In Persian]
- Gholami, Mohsen (2017), "Problems and difficulties of Hazrat Ali during the Caliphate period and their solutions", Islamic Scholars Quarterly, Volume 5, Number 8 - Fall 2019 - Serial Number 8, pp. 31-44. [In Persian]
- Hakim, Seyyed Manzar et al (2001), Informants of Guidance, Imam Ali bin Musa al-Rida, Qom: The International Council of Ahl al-Bayt. [In Persian]
- Ibn Abi al-Hadid, Abu Hamid Ezz al-Din (1983), Explanation of Nahj Al-Balagha, edited/corrected by: Muhammad Abu Al-Fadl Ibrahim, Qom: Ayatollah Marashi Library
- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad (2005), Complete in history, Beirut: Dar Sadir
- Ibn Abi Al-Hadid, Abd al-Majid Ibn Heba Allah (2006), Explanation of Nahj Al-Balagha, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Kutub Al-Arabiyya.
- Ibn Arabi, Muhammad bin Abdullah (1987), Provisions of the Qur'an, researcher: Ali Muhammad Bejawi, Beirut: Dar Al-Jil
- Ibn Atham Kufi(1990), The Book of Conquests, research on Ali Shiri, first edition, Beirut: Dar al-Azwa
- Ibn Jawzi, Yusuf bin Qazawghli (1997), A reminder of the elite of the nation by mentioning the characteristics of the imams, Qom: Al-Sharif Al-Radi
- Ibn Shahr Ashub (1959), virtues of the family of Abi Talib, Researcher and proofreader Muhammad Hussein Ashtiani and Hashim Rasouli, Qom: A scholar.

- Jafarian, Rasul (2013), Intellectual and Political Life of Shiite Imams, Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Khamenei, Seyyed Ali (2001/02/21), statements of the supreme leader of the revolution about the element of jihad, struggle and uprising in the lives of the Imams of Athar (peace be upon them), can be seen at: [In Persian] <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۲۱۱>
- Kiwi, Raymond, and Luc van Kampenhude (2016). Research method in social sciences. Translated by Abdul Hossein Nik Gohar, Tehran: Tutia. [In Persian]
- Koilini, Mohammad (1996), Osule Kafi, translated by Javad Mostafavi, Tehran: Department of Islamic History and Education Studies
- Krippendorff, Kloss (2017), Content Analysis: Basics of Methodology, translated by Hoshang Naibi, Tehran: Ney. [In Persian]
- Kovakbian, M., Montazeri, M. and Montazeri, Gh. (2016), the process of compiling the jurisprudence of Imam Khomeini in the field of politics, Quarterly Journal of Strategic Policy Studies, 6th year, number 21, pp. 9-39.. [In Persian]
- Mandel, Robert (1998), The Changing Face of National Security, translated by Strategic Studies Research Institute. Tehran: Research School of Strategic Studies. [In Persian]
- Masoudi, Ali bin Hossein (no date), Golden meadows, research by Mohammad Mohiuddin Abdulhamid, Beirut: Dar al-Marafa.
- Majlesi, Mohammad Baqer (2007), Seas of lights, translated by Mohammad Baqer Kameraei, Tehran: Islamia.
- Majlesi, Mohammad Baqer (1997), Seas of lights, Tehran: Islamia
- Majlesi, Mohammad Baqer (1982), Seas of lights, Beirut: Al-Wafa Foundation
- Mahmoudi, Mohammad Baqir (2015), Nahj Al-Saadat in document of Nahj Al-Balagha , Beirut: Al-Alami Institute
- Mintzberg ,Henry (1994). The Rise and fall of Strategic Planning. New York: Prentice Hall
- Motahari, Morteza (2011), the curriculum of the Imams of purity, Tehran: Sadra. [In Persian]
- Motahari, Morteza (2011), the curriculum of the Imams of purity, Tehran: Sadra. [In Persian]
- Misaei, Qasim et al. (2014), "Globalization in J.A. Development Plans", Strategic Policy Research, Year 4, Number 15, pp. 37-68. [In Persian]
- Noroozi, Farhad and Foladi Sepehr, Sajjad (2008), "Study on the sense of social security of Tehran women aged 15-25 and social factors affecting it", Strategy Quarterly, Year 18, No. 53, pp. 129-160. [In Persian]
- Paktachi, Ahmad (2012), Political Thought in the Teachings of Imam Reza, Collection of Articles, Volume II, Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
- Raif, Daniel, Lacey, Stephen, Figo, Frederic J. (2009), Analysis of Media Messages (Using Quantitative Content Analysis in Research), translated by Mahdekhet Alavi Boroujerdi, Tehran: Sada Va Sima Publications

- Rabiei, Ali (2012). "National security; A developing concept". Political-economic information, 18th year, vol. 197-198, pp. 124-143
- Sharif Qurashi, Baqir (1998), Hayah al-Imam al-Hussein, translated by Fakhreddin Hijazi, Tehran: Ba'ath Publications. [In Persian]
- Sherry, Mohammad Javad (2001), Imam Ali, the brother of God's Messenger, translated by Seyyed Mohammad Salehi, Tehran: Tos. [In Persian]
- Sharif Qurashi, Baqir (2007), Hayah al-Imam al-Hussein, Tehran: Qalam Maknoun. [In Persian]
- Mofid, Muhammad (1992), Commentary on the beliefs of Sadouq, translated by Seyyed Ali Madrasi Yazdi, Tehran: Sheikhe Mofid Congress. [In Persian]
- Mofid, Muhammad (2002), Al-Arshad Fi Hajjullah Ali Al-Abad, translated by Khorasani, Tehran: Ilmia Islamic Publications. [In Persian]
- Sadouq (1992), Who is not attended by the jurist, edited by: Ali Akbar Ghafari, Daftar al-Islami, Qom: Chap Dom.
- Sadouqh, Muhammad Bin Ali (2006), Reasons for the laws, edited by Sayyid Muhammad Sadiq Bahr al-Ulum, Najaf: Al-Haidariyya Library Publications
- Shushtri, Mohammad Taqi (2002), A Treatise on the History of the Prophet and His Family, Chapter One, Qom: University of Teachers.
- Tankabani, Farid (1995), Nahj al-Fasaha, Tehran: Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1982), Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an, translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani, Tehran: Mohammadi Publications Center. [In Persian]
- Tabarsi, Ahmed (1992), Tabarsi protest, by the efforts of Ibrahim Bahadri and Mohammad Hadi, under the supervision of Jafar Sobhani, Qom: Aswa
- Tabarsi, Ahmed bin Ali (1992), Protest against the stubborn people, Qom: Oswah Publications
- Tabari, Mohammad, (2010), History of Tabari, translated by Abu al-Qasim Bayandeh, Tehran: Firdaws Publishing.
- Tusi (sheikh al-taefah) (1986), Refining the rules, edited/corrected by: Hasan al-Musawi, Khurasan, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Thaqafi, Ibrahim (2016), Al-Gharat, verified/corrected by: Muhaddith, Jalal al-Din, Tehran: Association of National Artifacts